

دو عهد



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۳۱؛ پیدایش باب ۱ آیه ۲۸، باب ۲ آیات ۲ و ۳، باب ۳ آیه ۱۵، باب ۱۵ آیات ۱ تا ۶؛ خروج باب ۶ آیات ۲ تا ۸، باب ۱۹ آیات ۳ تا ۶.

آیه حفظی: «لیکن اورشلیم بالا آزاد است که مادر جمیع ما می باشد» ترجمه تفسیری: اما مادر ما و وطن ما اورشلیم آسمانی است که کنیز و بنده شریعت نیست. (غلاطیان باب ۴ آیه ۲۶).

مسیحیانی که اقتدار و اعتبار عهد قدیم را رد می کنند، اغلب ارزانی شدن احکام بر کوه سینا را با انجیل در تناقض می بینند. آنها چنین نتیجه می گیرند که عهدی که بر کوه سینا داده شد، معرف شرایط و وضعیتی خاص و استثنایی در دوره ای از تاریخ بشر است که رستگاری بر اساس اطاعت از احکام بود. اما از آن جایی که مردم در بر آورده ساختن مطالبات احکام قصور ورزیدند آنگاه خدا (آنگونه که آنها می گویند) عهدی جدید را آغاز نمود، عهد فیض از طریق شایستگی عیسی مسیح. پس این درک آنها از دو عهد می باشد: عهد قدیم بر پایه شریعت و احکام و عهد جدید بر پایه فیض.

هر قدر هم که این دیدگاه متداول باشد، با این حال دیدگاهی اشتباه است. نجات هرگز از طریق اطاعت از احکام نبود؛ آیین یهود بر طبق آموزه های کتاب مقدس، از ابتدا همواره دین فیض بوده است. پولس در غلاطیه با قانونگرایی یا (ایده پیروی سفت و سخت از احکام منظور حصول رستگاری) مواجه شده بود که نه تنها انحراف از مسیحیت بلکه از خود عهد قدیم بود. دو عهد، موضوع و مسئله مربوط به زمان نیستند؛ در عوض انعکاس دیدگاه و رویکرد بشری می باشند. آنها دو روش متفاوت از تلاش برای ارتباط با خدا را ارائه می دهند، روش هایی که به قائل و هابیل باز می گردند. عهد قدیم نشان

دهنده کسانی است که مانند قائن به اشتباه بر فرمانبرداری خود به عنوان وسیله ای برای خشنود ساختن خدا تکیه و اصرار می‌ورزد؛ در مقابل، عهد جدید نشان دهنده تجربه کسانی است که مانند هابیل، برای انجام تمام چیزهایی که خدا وعده داده است کاملاً بر فیض او تکیه می‌کنند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲ سپتامبر آماده شوید.

۲۷ اوت

یکشنبه

مبنای عهد

بسیاری برداشت پولس از تاریخ اسرائیل در غلطیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۳۱ را به عنوان دشوارترین بخش از نامه اش در نظر می‌گیرند زیرا که مبحثی بسیار پیچیده بوده که نیازمند به داشتن دانشی گسترده از اشخاص عهد عتیق و وقایع میباشد. نخستین گام در درک این بخش، داشتن درکی ابتدایی از مفاهیم عهد قدیم است که در کانون بحث پولس قرار دارد: مفهوم عهد. واژه عبری ترجمه شده «عهد»، בְּרִית (berit) می‌باشد. این واژه تقریباً سیصد بار در عهد قدیم بکار برده شده است و اشاره به قرارداد، توافق یا معاهده ای الزام آور می‌باشد. عهد و پیمانها برای هزاران سال نقشی اساسی در تعیین رابطه میان مردم و ملت های سراسر خاور نزدیک ایفا نمودند. عهدها اغلب شامل ذبح حیوانات به عنوان بخشی از روند ایجاد یک عهد و میثاق بودند. کشتن حیوانات نمادی از این مفهوم بود که اگر یک طرف از وعده ها و الزامات خود قصور کند چه اتفاقی خواهد افتاد.

«از زمان آدم تا عیسی، خدا بوسیله مجموعه ای از وعده های عهد با مرکزیت ظهور نجات دهنده که بموجب آن در عهد داودی (به اوج رسیده بود سر و کار داشت (پیدایش باب ۱۲ آیات ۲ و ۳؛ دوم سموئیل باب ۷ آیات ۱۲ تا ۱۷؛ اشعیا باب ۱۱). خدا به قوم بنی اسرائیل که در بابل اسیر بودند، عهد جدید دلنشین (ارمیا باب ۳۱ آیات ۳۱ تا ۳۴) در رابطه با آمدن مسیح از نسل داود را وعده داد (حزقیال باب ۳۶ آیات ۲۶ تا ۲۸، باب ۳۷ آیات ۲۲ تا ۲۸).» - هانس کی. لِراندِل، در باب خالق نجات دهنده ما که از مرجع زیر اقتباس گردیده است.

Hans K. LaRondelle, *Our Creator Redeemer* (Berrien Springs, Mich.: Andrews University Press, 2005), p. 4

مبنای عهد اولیه خدا با آدم در باغ عدن پیش از گناه چه بود؟ پیدایش باب ۱ آیه ۲۸، باب ۲ آیات ۲ و ۳ و ۱۵ تا ۱۷.

در حالی که ازدواج، کار جسمی و سبت بخشی از مفاد کلی تشکیل عهد بودند، نکته اصلی آن فرمان خدا در نخوردن میوه ممنوعه بود. ماهیت اصلی عهد، «اطاعت کنید و آنگاه زندگی کنید» بود! با طبیعتی که در هماهنگی با خدا خلق شده بود، و در کمال و بی عیبی بود این خواسته زیادی از آنها نبود؛ با این حال آدم و حوا تصمیم به انجام کاری غیرطبیعی گرفتند، و در آن عمل، آنها نه تنها عهد خلقت را شکستند بلکه شرایط آن را برای بشر امروزی که با گناه فاسد شده است، غیر ممکن ساختند. خدا رابطه ای که آدم و حوا از دست داده بودند را باز خواهد گرداند. او این کار را با تصویب عهدی از فیض بر اساس وعده ابدی یک نجات دهنده انجام داد (پیدایش باب ۳ آیه ۱۵).

پیدایش باب ۳ آیه ۱۵، نخستین وعده انجیل در کتاب مقدس را بخوانید. در کدام بخش آیه اشاره ای به امیدی که در مسیح داریم را می بینید؟

۲۸ اوت

دوشنبه

عهد ابراهیمی

در پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۵، خداوند در عهد خود چه وعده هایی به ابرام داد؟ پاسخ ابرام چه بود؟

وعده های اولیه خدا به ابرام، یکی از قدرتمندترین بخش های عهد قدیم را تشکیل می دهند. این آیات همه درباره فیض خدا هستند. این خداست و نه ابرام که وعده می دهد. ابراهیم هیچ کاری انجام نداده است که شایستگی لطف و عنایت خدا را داشته باشد، همچنین هیچ چیزی وجود ندارد که نشان دهنده این باشد که خدا و ابراهیم به نوعی برای ایجاد این توافق با یکدیگر همکاری کرده باشند. خدا تمام وعده ها را می دهد. در مقابل ابراهیم، فراخوانده شده است که در اطمینان از وعده خدا، ایمان داشته باشد، «ایمانی» محکم که با ترک خانواده اش متجلی شده است (در سن ۷۵ سالگی!) و رفتن به سرزمینی که خدا وعده داد.

«با برکتی که به ابرام و از طریق او به تمام بشر داده شده است، خالق هدف رستگار کننده خویش را احیا نمود. او آدم و حوا را در بهشت برکت داده بود (پیدایش باب ۱ آیه ۲۸، باب ۵ آیه ۲) و سپس نوح و پسرانش را پس از طوفان برکت داد (باب ۹ آیه ۱). به این ترتیب خدا وعده پیشین خود از یک نجات دهنده که بشریت را نجات خواهد داد، شرارت را نابود خواهد نمود و بهشت را احیا خواهد کرد، مشخص می سازد (پیدایش باب ۳ آیه ۱۵). خدا وعده

اش در برکت دادن به 'همه مردم' را در توسعه جهانی تایید نمود.» - هانس کی. لرنال، خالق نجات دهنده ما صفحات ۲۲ و ۲۳.

Hans K. LaRondelle, Our Creator Redeemer, pp. 22, 23

پس از ده سال انتظار برای بدنیا آمدن پسر وعده داده شده، ابرام چه سوالاتی درباره وعده خدا داشت؟ پیدایش باب ۱۵ آیات ۱ تا ۶.

اغلب، تجلیل از ابرام به عنوان مرد ایمان، کسی که هرگز هیچ سوال و تردیدی نداشت، آسان است. با این وجود کتاب مقدس تصویر متفاوتی ارائه می دهد. ابرام ایمان داشت اما در طی مسیروش سوال هایی نیز داشت. ایمان او رو به رشد بود. مانند داستان آن پدر در مرقس باب ۹ آیه ۲۴، ابرام در واقع در پیدایش باب ۱۵ آیه ۸ به خدا گفت، «چگونه مطمئن شوم که تو این سرزمین را بمن خواهی داد؟» در پاسخ خداوند به ابرام از حتمی بودن وعده خویش با وارد شدن در عهدی با وی به او اطمینان داد. (پیدایش باب ۱۵ آیات ۷ تا ۱۸). چیزی که این آیات را بسیار حیرت انگیز می کند، این حقیقت نیست که خدا عهدی با ابراهیم می بندد بلکه میزان تمایل خدا به انجام این کار بود. بر خلاف سایر حاکمان خاور نزدیک در عهد کهن، که از ایجاد وعده های الزام آور با خدمتگزارانشان سر باز میزدند، خدا نه تنها قول داد بلکه بطور نمادین با گذشتن از میان قطعات حیوانات ذبح شده، زندگی خود را بر روی آن وعده گذاشت. البته عیسی در نهایت جان خود را در جلجتا ارزانی میدارد تا وعده خویش را به حقیقت تبدیل کند.

بعضی از زمینه هایی که شما باید با ایمان در آن بشارت بدهید و آنچه که غیر ممکن به نظر می رسد را باور کنید، کدامند؟ چگونه می توانید بیاموزید که با وجود هر مشکلی، به راهتان ادامه بدهید؟

۲۹ اوت

سه شنبه

ابراهیم، سارا و هاجر

چرا پولس چنین نگرش حقیرانه ای در مورد واقعه هاجر داشت؟ غلطیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۳۱، پیدایش باب ۱۶. پولس با روایت خود از عهد قدیم به چه نکات بسیار مهمی در مورد نجات اشاره می کند؟

جایگاه هاجر در داستان پیدایش بطور مستقیم با قصور ابرام در ایمان به وعده خدا مربوط است. بعنوان برده ای مصری در خانه ابرام، احتمالاً هاجر جزو مایملک ابرام شد بعنوان یکی از هدایای متعددی که فرعون برای مبادله برای سارا به او داد، واقعه ای مرتبط با اولین کرداری که بخاطر بی ایمانی به وعده خداوند از خود نشان داده بود. (پیدایش باب ۱۲ آیات ۱۱ تا ۱۶).

ابرام و سارا پس از ده سال انتظار برای بدنیا آمدن فرزند وعده داده شده، بدون فرزند باقی ماندند. سارا که به این نتیجه رسیده بود که خدا به کمک آنها نیاز دارد، هاجر را به عنوان متعه به ابراهیم داد. اگر چه امروزه برای ما عجیب است، اما نقشه سارا کاملاً هوشمندانه بود. بر طبق رسوم کهن، یک زن ندیمه (برده) از نظر قانونی می توانست مادری جایگزین همسر نابارور بشود. از این رو سارا می توانست هر فرزندی که از همسرش و هاجر بدنیا بیاید را فرزند خود بداند. در حالی که این نقشه باعث بدنیا آمدن فرزندی شد ولی این فرزند وعده داده شده خدا نبود. ما در این داستان نمونه ای قدرتمند از این واقعیت را داریم که حتی یک مرد خوب خدا در شرایط دلهره آور، در ایمانش لغزش خورد. در پیدایش باب ۱۷ آیات ۱۸ و ۱۹، ابراهیم از خدا درخواست نمود که اسماعیل را به عنوان وارثش بپذیرد؛ اما خداوند بطور حتم این درخواست را نپذیرفت. تنها عنصر «معجزه آسای» تولد اسماعیل، تمایل سارا به سهیم شدن همسرش با زنی دیگر بود! هیچ چیز غیر عادی در مورد تولد فرزند این زن، فرزندی متولد شده «بر طبق جسم»، وجود نداشت. اگر ابراهیم به جای اینکه اجازه دهد شرایط بر اعتماد او غلبه کنند، به آنچه خدا به او وعده داده بود، اطمینان می کرد، هیچ کدام از اینها اتفاق نمی افتاد و از غم و اندوه بسیاری اجتناب می شد.

در مقابل تولد اسماعیل، به شرایط زمان تولد اسحاق توجه نمایید. پیدایش باب ۱۷ آیات ۱۵ تا ۱۹، باب ۱۸ آیات ۱۰ تا ۱۳؛ عبرانیان باب ۱۱ آیات ۱۱ تا ۱۲. چرا این شرایط نیازمند ایمان زیاد ابراهیم و سارا بودند؟

عدم اطمینان شما به وعده های خدا، به چه روش هایی باعث درد شما شدند؟ چگونه می توانید از این اشتباهات بیاموزید که کلام خدا را بی توجه به شرایط، باور کنید؟ چه انتخاب هایی می توانید انجام دهید که به قوی ساختن توانایی شما در اطمینان به وعده های خدا کمک کنند؟

هاجر و کوه سینا (غلاطیان باب ۴ آیات ۲۱ تا ۳۱)

خدا مایل بود چه نوع رابطه عهدی با قومش بر روی کوه سینا ایجاد کند؟ این چه شباهاتی با وعده خدا به ابراهیم دارد؟ خروج باب ۶ آیات ۲ تا ۸، باب ۱۹ آیات ۳ تا ۶؛ تثیبه باب ۳۲ آیات ۱۰ تا ۱۲.

خدا مایل بود همان رابطه عهدی را که با ابراهیم داشت، با فرزندان اسرائیل بر روی کوه سینا بوجود آورد. در واقع شباهاتی میان کلام خدا به ابراهیم در پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳ و کلامش به موسی در باب ۱۹ خروج وجود دارد. در هر دو مورد خدا بر آنچه که برای قومش انجام خواهد داد، تاکید می کند. او از بنی اسرائیل نمی خواهد که برای دریافت برکاتش، وعده انجام کاری را بدهند؛ در عوض، آنها باید در پاسخ به این برکات، مطیع باشند. واژه عبری ترجمه شده به «اطاعت کردن» در خروج باب ۱۹ آیه ۵ از نظر ادبی به معنی «شنیدن» می باشد. کلام خدا دلالت بر عدالت از طریق اعمال ندارد. در مقابل، او می خواست که اسرائیل ایمانی مشابه با آنچه در پاسخ ابراهیم به وعده های او مشخص شد داشته باشند (دست کم اکثر اوقات!).

اگر رابطه عهد خدا که بر روی کوه سینا به اسرائیل ارائه شد با آنچه به ابراهیم داده شد، یکسان است، چرا پولس کوه سینا را با تجربه منفی هاجر یکی می کند؟ خروج باب ۱۹ آیات ۷ تا ۲۵، عبرانیان باب ۸ آیات ۶ و ۷.

عهد بر روی کوه سینا در نظر بود که گناهکاری بشر و چاره فیض فراوان خدا را مشخص نماید، که یک نمونه از آداب و تشریفات معبد بود. مشکل عهد کوه سینا از طرف خدا نبود بلکه از نقص وعده های مردم بود (عبرانیان باب ۸ آیه ۶). بنی اسرائیل بجای پاسخ دادن به وعده های خدا در فروتنی و ایمان، با تکیه بر خود در عوض توسل به خدا به آنها واکنش نشان دادند «آنچه خداوند امر فرموده است، خواهیم کرد» (خروج باب ۱۹ آیه ۸). آنها پس از زندگی در اسارت در مصر بمدت بیش از چهارصد سال، درک درستی از بزرگی خدا و وسعت گناهکاری خود نداشتند. بنی اسرائیل به همان صورتی که ابراهیم و سارا تلاش نمودند به خدا برای تحقق وعده هایش کمک کنند، بدنال تبدیل عهد فیض خدا به عهدی از اعمال بودند. هاجر نماد کوه سیناست که هر دو نشان دهنده تلاشهای انسان برای نجات از طریق اعمال می باشند.

پولس ادعا نمی کند که شریعت داده شده بر روی کوه سینا زیان آور یا منسوخ بود. او نگران تعبیر نادرست (رستگاری بوسیله چسبیدن به قوانین کلیسای اهل غلاطیه از احکام و شریعت بود. «شریعت در عوض متقاعد کردن ایشان به این مسئله که با رعایت احکام خشنود کردن خدا غیر ممکن است، احکام در وجود آنان عزمی بوجود آورد تا به مراجع شخصی خود اتکا کنند بخاطر اینکه رضای خدا را بدست آورند. بنابراین شریعت اهداف فیض را در هدایت یهودیان به سوی مسیح انجام نداد. در عوض آنها را از مسیح دور نمود.» - او. پالمربرتسون، کتاب مسیح عهد ها که از مرجع زیر اقتباس شده است.

O. Palmer Robertson, *The Christ of the Covenants* (Phillipsburg, N.J.: Presbyterian and Reformed Publishing Co., 1980), p. 181

۳۱ اوت

پنجشنبه

اسماعیل و اسحاق امروزه

توصیف خلاصه پولس از تاریخ اسرائیل برای مقابله با استدلال های بیان شده توسط مخالفانش طراحی شده بود که مدعی بودند که آنها نسل حقیقی ابراهیم بوده و اینکه اورشلیم -مرکز مسیحیت یهودی و شریعت -مادر ایشان بود. آنها به غیر یهودیان تهمت نامشروع بودن زدند؛ اگر آنها می خواستند پیروان حقیقی مسیحی بشوند، می بایست ابتدا با پذیرفتن قانون ختنه، پسر ابراهیم بشوند.

پولس می گوید که حقیقت بر خلاف این ادعا می باشد. این شرع گرایان نه تنها پسران ابراهیم نیستند بلکه مانند اسماعیل فرزندان غیر مشروع می باشند. آنها با قرار دادن اطمینانشان به ختنه کردن، بر «جسم» تکیه می کردند، همان کاری که سارا با هاجر و بنی اسرائیل با شریعت خدا بر روی کوه سینا انجام دادند. اگر چه ایمانداران غیر یهودی از نظر نژاد طبیعی پسران ابراهیم نبودند، اما مانند اسحاق از نظر فرا طبیعی چنین بودند. «آنها مانند اسحاق تحقق وعده داده شده به ابراهیم بودند...؛ ولادت ایشان با آزادی همچون اسحاق، تاثیر فیض الهی بود؛ مانند اسحاق، آنها به رکن وعده عهد تعلق دارند.» - جیمز دی. جی. دان، رساله به غلاطیان که بر اساس مرجع زیر اقتباس گردیده است.

James D. G. Dunn, *The Epistle to the Galatians* (London: Hendrickson Publishers, 1993), p. 256

نسل حقیقی ابراهیم با چه چیزی در این جهان روبرو خواهند شد؟ غلاطیان باب ۴ آیات ۲۸ تا ۳۱، پیدایش باب ۲۱ آیات ۸ تا ۱۲.

فرزند عهد بودن نه تنها برای اسحاق برکاتی به‌مراه داشت بلکه مخالفت‌ها و جفا‌هایی نیز بدنبال داشت. پولس با اشاره به جفا، مراسم پیدایش باب ۲۱ آیات ۸ تا ۱۰ را در ذهن دارد، جایی که اسحاق مفتخر شمرده می‌شود و به نظر می‌رسد اسماعیل او را به تمسخر می‌گیرد. واژه عبری در پیدایش باب ۲۱ آیه ۹، به معنی «خندیدن» می‌باشد، اما واکنش سارا نشان می‌دهد که اسماعیل، اسحاق را دست‌انداخته و مسخره می‌کرد. در حالی که رفتار اسماعیل ممکن است امروزه برای ما چندان قابل توجه نباشد، اما آشکارکننده خصومت عمیق تری بود که در آن موقعیت حق نخست‌زادگی را به خطر انداخته بود. بسیاری از حاکمان دوران کهن تلاش نمودند از طریق از میان برداشتن رقبای بالقوه خود، از جمله خواهران و برادرانشان، موقعیت خود را تضمین نمایند (یهودا باب ۹ آیات ۱ تا ۶). اگر چه اسحاق با مخالفت روبرو بود، اما از تمام مزایایی همچون محبت، حمایت و التفات پدر خود از جمله بهره‌مندی از ارث برخوردار بود.

به عنوان نسل روحانی اسحاق نباید هنگامی که از مخالفت و سختی رنج می‌کشیم شگفت زده بشویم، حتی اگر از درون خانواده کلیسا باشد.

شما چگونه از جفا بخصوص از جانب کسانی که به شما نزدیک هستند، بدلیل ایماننان رنج برده اید؟ و یا این سوال دشوار را از خود پرسید: آیا این احتمال وجود دارد که شما در آزار و اذیت دیگران برای ایمانشان مقصر باشید؟ در این باره بیان‌دهید.

۱ سپتامبر

جمعه

تفکری فراتر: احکام و عهدها صفحه ۳۶۳-۳۷۳ از کتاب مشایخ و انبیاء اسرائیل را بخوانید. «اما اگر عهد ابراهیمی شامل وعده نجات بود، چرا عهدی دیگر بر روی کوه سینا شکل گرفت؟ مردم در اسارتشان، به میزان زیادی آگاهی خود از خدا و اصول عهد ابراهیمی را از دست داده بودند....»

«خدا آنها را به کوه سینا آورد؛ جلال خود را آشکار نمود؛ او به آنها احکام خود را به همراه وعده برکات زیاد در صورت فرمانبرداری ایشان داد: 'اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا ... برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود' (خروج باب ۱۹ آیات ۵ و ۶). مردم گناهکاری قلب خود و اینکه بدون مسیح رعایت شریعت خدا برایشان غیر ممکن بود را تشخیص ندادند؛ و آنها به آسانی با خدا عهد بستند.... با این حال، آنها تنها پس از گذشت چند هفته عهد خود را با خدا شکستند و با تعظیم به تنها آنها را پرستیدند. آنها نمی‌توانستند به لطف خدا از طریق عهدی که شکسته بودند امید داشته باشند؛ و اینک، آنها که گناهکاری و نیاز به بخشیده شدن خود را می‌دیدند، نیازشان به نجات‌دهنده را که در عهد ابراهیمی نمایان شده بود

احساس نمودند و ... آنها اکنون با ایمان و محبت، به عنوان نجات یافتگان از اسارت به گناه با خداوند ارتباط پیدا کرده بودند. آنها اکنون آماده قدردانی از برکات عهد جدید بودند.» - الن جی. وایت، مشایخ و انبیاء صفحات ۳۷۱ و ۳۷۲.

Ellen G. White, Patriarchs and Prophets, pp. 371, 372

سوالاتی برای بحث

۱. آیا مسیر شما با خداوند از نوع «عهد قدیم» است یا «عهد جدید»؟ چگونه می توانید این تفاوت را تشخیص دهید؟
۲. شما چند مرتبه به خداوند قول داده اید که کار خاصی انجام خواهید یا نخواهید داد؟ این حقیقت غم انگیز چگونه به شما در درک معنای فیض کمک می کند؟

خلاصه: روایات هاجر، اسماعیل و فرزندان اسرائیل بر روی کوه سینا، حماقت تلاش بر خود اتکایی در انجام آنچه خدا وعده داده است را نشان می دهد. به این روش در عهد قدیم پارسامایی گفته میشود. عهد جدید عهدی جاودان از فیضی است که در ابتدا پس از گناه با آدم و حوا بسته شد، با ابراهیم احیا شد و در نهایت در مسیح تحقق یافت.